فصلنامهٔ امنیت پژوهی (علمی-پژوهشی)
سال بیست‌ودوم: شماره ۸۳- پاییز ۱۴۰۲
صص: ۳۹ - ۵۸

Amniat Pajouhi: Security Research Quarterly
Vol.22, No.83,Autumn 2023
P-P: 39 - 58

راهبردهای سیاست خارجی ج.ا.ا در نظم مبتنی بر همسایگی در خلیج‌فارس با تمرکز بر نفوذ رژیم اشغالگر قدس

عباس ملکی[۱]
علی عبدلی[۲]

چکیده

حوزه منطقه‌ای خلیج‌فارس را می‌توان به‌عنوان یکی از محیط‌های مهم و حساس تلقی کرد که سیاست خارجی و امنیتی ج.ا.ا در آن عمل می‌کند. در این میان، ظهور رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر جدید در خلیج‌فارس، سیاست خارجی ایران را به‌شدت تحت‌تأثیر متغیرهای امنیتی محیطی قرارمی‌دهد. با توجه به افزایش نفوذ رژیم در منطقه، مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس و رژیم اشغالگر قدس به‌طور شگرفی توسعه یافته است. به‌نحوی‌که امارات و بحرین به‌عنوان عضوی از این شورا اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم اشغالگر قدس در قالب پیمان ابراهیم نموده‌اند. این موضوع به معنای پیدایش چالشی جدی و روزافزون در محیط امنیت ملی و فراملی ایران است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش فوق این است که ج.ا.ا در نظم مبتنی بر همسایگی در خلیج‌فارس با تمرکز بر نفوذ رژیم اشغالگر قدس چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟ در همین ارتباط، با بهره‌گیری از چارچوب نظری نظم‌های منطقه‌ای بر آنیم تا راهبردهای سیاست خارجی ایران را در خلیج‌فارس مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهیم. پژوهش حاضر توصیفی- مفهومی بوده و داده‌های موردنیاز نیز به روش کتابخانه‌ای به‌دست‌آمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال نفوذ رژیم اشغالگر قدس در منطقه خلیج‌فارس بر اساس نشانه‌هایی از تداوم در الگوی رفتار راهبردی منطقه‌ای، در این حوزه از راهبرد موازنه‌گری سخت، اتحاد و ائتلاف، کنشگری فعال درزمینهٔ تنش‌زدایی با اعراب به‌عنوان سازوکار اصلی مقابله با نفوذ رژیم اشغالگر قدس در منطقه بهره گرفته است.

واژگان کلیدی

خلیج‌فارس، امنیت ملی، ج.ا.ا، رژیم اشغالگر قدس، سیاست خارجی

---

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، گروه علوم پایه، دانشکده علوم و فنون فارابی. *farhad.m310@gmail.com*
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) *Abdoli.ali@ut.ac.ir*

مقدمه

سیاست‌گذاری خارجی همه کشورها با محیط در تعامل است. اهداف، توانایی‌ها، راهبردها، ابزارها، فنون، تاکتیک‌ها، سبک و دستگاه سیاست خارجی، هم‌چنین تصمیمات، اقدامات و پیامدهای سیاست خارجی همگی در این تعامل، نقش دارند (رمضانی، ۱۳۸۰: ۴۱). درواقع، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی حوزه‌ای است که سیاست خارجی یک کشور یا واحد ملی در آن به کنش و تعامل می‌پردازد. خلیج‌فارس نظم‌های منطقه‌ای متفاوتی در طول تاریخ به خود دیده است. برای مثال پس از جنگ جهانی دوم انگلستان تا سال ۱۹۷۱ نظم سنتی را که از پیش ایجاد کرده بود حفظ کرد. در سال ۱۹۷۱ امریکا با اجرای سیاست دو ستونی مبتنی بر رهنامه نیکسون نظم امنیتی منطقه را شکل داد. در سال ۱۹۸۰ یک نظام امنیتی جدید به نام شورای همکاری خلیج‌فارس بین کشوری‌های عرب‌زبان یا به تعبیری حاشیه جنوبی خلیج‌فارس پا به عرصه ظهور گذاشت که اوج ناکارآمدی آن با حمله عراق به کویت به اثبات رسید. نمونه‌های اشاره‌شده حاکی از این مسئله است که عمده‌ترین نگرانی کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل در خلیج‌فارس مسئله امنیت بوده است. در حال حاضر نظام جهانی در حال گذار است و راهبردشناسان خبر از افول امریکا و انتقال قدرت از غرب به سمت شرق می‌دهند. بدیهی است ایالات‌متحده برای جلوگیری از افول خود واکنش نشان‌داده و سناریوهای متفاوتی را برای مهار سه کشور چین به‌عنوان قدرت اقتصادی، روسیه به‌عنوان قدرت نظامی و ایران به‌عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای در خاورمیانه پایه‌گذاری کرده است. با توجه به اینکه نگاه امریکا از چندین سال قبل معطوف به شرق آسیا شده؛ بنابراین در راستای خروج تدریجی خود از خاورمیانه نیازمند جانشینی برای حفظ منافع خود در منطقه بوده است. ازاین‌رو بدیهی است متحد قدیمی و راهبردی خود را جایگزین خود در منطقه نماید بنابراین با این طرح زمینه حضور رژیم اشغالگر قدس در لایه اول امنیتی ج.ا.ا کلید می‌خورد که در صلح ابراهیم برای مقابله بیشینه‌سازی قدرت منطقه‌ای ج.ا.ا، جلوه‌گر شده است.

چندلایه شدن نظم امنیتی و افزایش پیچیدگی‌های رفتاری در خلیج‌فارس سبب شده است تا ابزارهای مفهومی و نظری کلاسیک نتوانند کارآمدی تبیینی لازم برای مطالعه رفتارهای امنیتی ج.ا.ا در برابر نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه را داشته باشند. رویکرد پژوهشی و بهره‌گیری از مفاهیم مناسب و جدید با زمینه مسئله موردپژوهش از اهداف مهمی است که در این مقاله دنبال خواهد شد. برای رسیدن به این اهداف ابتدا شاخص‌های کنترل‌کننده رژیم اشغالگر قدس در مقابله ایران شناسایی و سپس راهبردهای ج.ا.ا برای خنثی‌سازی اقدامات رژیم در قالب نظم مبتنی بر همسایگی بررسی خواهد شد. اهمیت و ضرورت نگارش مقاله فوق را می‌توان در استفاده از رویکرد شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین در تبیین مسائل راهبردی و توضیح راهبرد سیاست خارجی ج.ا.ا در مقابل خنثی‌سازی نفوذ رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهم‌ترین

چالشگر امنیتی موجود در منطقه علیه ایران مورد ملاحظه قرارداد. سؤال پژوهش فوق این است که ج.ا.ا در نظم مبتنی بر همسایگی در خلیج‌فارس با تمرکز بر نفوذ رژیم اشغالگر قدس چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟

پیشینه پژوهش

رضا سیمبر و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «سیاست ج.ا.ا در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس»(سیمبر و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۲-۴۹)؛ به واکاوی سیاست‌های ایران در ۲۰ سال گذشته بر اساس تحولات خاورمیانه و نظریه امنیت منطقه‌ای؛ به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی پرداخته‌اند؛ لیکن در راستای نفوذ رژیم صهیونیستی بین کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس اشاره‌ای نشده که در مقاله فوق به آن پرداخته خواهد شد.

امیرعباسی خوشکار و فرهاد قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «راهبردپژوهی نظام کنترل رژیم صهیونیستی در برابر نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران» (عباسی خوشکار و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۹۰-۱۵۹)؛ به بررسی رقابت راهبردی رژیم اشغالگر قدس و ج.ا.ا پرداخته و در ادامه با طرح الگوی نظری به دنبال تبیین دقیق از محتوا و تبارشناسی نظام کنترل رژیم صهیونیستی در برابر ج.ا.ا و محور مقاومت برآمده است. مقاله فوق با توجه به اینکه در نوع خود بی‌نظیر است لیکن در راستای نظام کنترل رژیم صهیونیستی در قبال ج.ا.ا تدوین‌شده؛ اما مقاله حاضر به راهبردی‌های سیاست همسایگی ج.ا.ا در خلیج‌فارس با محوریت نفوذ رژیم اشغالگر قدس می‌پردازد.

هادی ابراهیمی کیاپی و کمال زارعی در مقاله‌ای با عنوان «تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه راهبردی قفقاز» (کیاپی و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۲۵)؛ به رقابت‌های راهبردی این دو بازیگر منطقه‌ای در قبال یکدیگر در منطقه قفقاز در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته است. همان‌گونه که مشخص است حوزه تقابل مقاله اشاره‌شده در منطقه قفقاز است لیکن در مقاله حاضر حوزه کنش هر دو بازیگر در منطقه خلیج‌فارس است.

مسعود خدیمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا سال ۲۰۲۰ با استناد به مدل راهبردی دیوید» (خدیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۳-۸۰)؛ به بررسی امنیت و روند اتخاذ تصمیم رژیم صهیونیستی در ارتباط با مداخلات نظامی از زمان تأسیس تاکنون را پرداخته است؛ که علی‌رغم استفاده از ابزارهای نظامی تاکنون هم‌چنان با معضلِ امنیت روبه‌رو بوده است. مقاله فوق صرفاً به مداخلات نظامی در پیرامون رژیم اشغالگر قدس پرداخته است. لیکن مقاله فوق حوزه وسیع‌تری را پوشش داده و به نفوذ رژیم صهیونیستی به خلیج‌فارس در لایه اول امنیتی ایران اشاره خواهد کرد.

در یک دهه اخیر در خصوص رژیم اشغالگر قدس و امنیت ج.ا.ا پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است. لیکن با توجه به وضعیت کنونی تحولات منطقه‌ای خلیج‌فارس و با به وجود آمدن بحران غزه و

ایجاد تنش در بین کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی و همچنین کاربردی بودن نتایج حاصله در راستای خنثی‌سازی راهبردهای رژیم در خوشه خلیج‌فارس علیه ج.ا.ا، پژوهش فوق در جایگاه خود نسبت به سایر پژوهش‌های گذشته دارای نوآوری است. همچنین می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های دیگر در این راستا در سایر خوشه‌های هم‌جوار ج.ا.ا باشد.

مبانی نظری

تحول نظام بین‌المللی از نظام ساده – خطی به نظام بین‌المللی پیچیده ـ آشوبی، حوزه مطالعات منطقه‌ای را با دگرگونی‌های بنیادین روبه‌رو ساخته است. از تفاوت‌های اساسی نظم پیچیده – آشوبی با نظم بین‌المللی کلاسیک تمایز در سازه‌های نظم، دینامیک چرخه‌ها، الگوهای رفتاری و کنترل آن خواهد بود. در این میان شکل‌گیری سازه‌های شبکه‌ای به‌عنوان سازه اصلی نظم مرزبندی‌های درونی نظام بین‌المللی را تغییر داده و آن را با واقعیت‌های نوینی روبه‌رو ساخته است. شبکه‌ای شدن نظام بین‌المللی، نظم‌های منطقه‌ای را از ابعاد گوناگون زیر تحت‌تأثیر قرار داده است (قاسمی ۱۴۰۱: ۳۱۷)؛ ازاین‌رو با توجه به افزایش پیچیدگی‌های محیط راهبردی بازیگران در منطقه، بهره‌گیری از نظریه‌های کلاسیک نمی‌تواند به افزایش توجه در این پژوهش کمک نماید. ازاین‌رو نگارنده از رویکرد شبکه‌ای به محیط راهبردی بازیگران برای مطابقت با شرایط حاضر منطقه استفاده می‌کند.

نظم امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده

نظم امنیتی یکی از مهم‌ترین مفاهیم محوری در مطالعات راهبردی محسوب می‌شود. نظم‌های امنیتی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی بر اساس قطب‌بندی‌های قدرت و مبتنی بر بازیگری واحدهای دولتی و چگونگی کنش‌ورزی امنیتی آن‌ها با یکدیگر تعریف می‌شوند.

شبکه‌ای شدن نظم‌های امنیتی سبب شده است تا پیوندهای مبتنی بر کنش‌ورزی‌های ایجابی و سلبی امنیت‌ساز و امنیت‌زدا در تلاقی نظم‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی ضمن محیط شدن بر رفتارهای راهبردی بازیگران، به صحنه بازیگری آن‌ها تبدیل شوند. در نظم‌های امنیتی شبکه‌ای شده قدرت هوشمند بر اساس بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تعریف می‌شود و واحدهای امنیتی با استفاده از قدرت هوشمند به دنبال تغییر در توزیع تهدیدات و برهم‌زدن نقطه ثبات راهبردی رقبای راهبردی برای ایجاد شبکه نظم امنیتی مطلوب خود هستند در شبکهٔ نظم امنیتی مناطق توزیع تهدیدات با استفاده از دست‌کاری در گره‌های[1] ایجابی به کمک قدرت هوشمند شکل‌دهنده به نوع نظم امنیتی هستند؛ بنابراین برخی شبکه‌های نظم امنیتی تک کانونی، دو کانونی و چند کانونی خواهند بود. نظم‌های امنیتی به دلیل پیوند شبکه‌ای با سایر نظم‌های امنیتی مناطق و نظم جهانی از درجه‌های متفاوت نفوذپذیری و نفوذ گذاری برخوردار هستند (الکادیانی، ۲۰۱۰: ۵۵).

1. *Node*

لیک و مورگان به بررسی مجموعه‌های امنیتی پرداخته‌اند. برخلاف بوزان این دو محقق نقش عوامل امنیتی را در شکل‌گیری مناطق برجسته ساختند و قدرت‌های بزرگ را به‌عنوان بخشی از مجموعه‌های امنیتی به‌حساب آوردند. لیک و مورگان تهدیدات را جایگزین منافع متغیر جغرافیایی، تاریخی، وابستگی و دیگر متغیرها می‌نمایند. به نظر این دو پژوهشگر الگوهای دوستی و دشمنی که در مجموعه‌های سرزمینی خود را نمایان می‌سازند همگی نوعی نسخه‌های بدلی متغیرهای دیگر هستند؛ در این دیدگاه قدرت‌های بزرگ بر اساس عنصر درک تهدیدات در اغلب مجموعه‌های امنیتی مشارکت مستقیم دارند و بنابراین بخشی از مجموعه‌های امنیتی محسوب می‌شوند. برای بررسی دقیق‌تر پویایی قدرت در سطح میانی و منطقه‌ای علاوه بر مناسبات دو و چندجانبه و نقش قدرت‌های مداخله‌گر در پویایی قدرت باید به نظم‌ها و الگوهای مدیریت بحران در مطالعه سطح میانی توجه نمود (لیک و مورگان، ۱۹۹۷: ۶۰).

کانتوری و اشپیگل نیز از سه نوع نظام در مطالعات امنیتی و منطقه‌ای نام می‌برند. نظام مسلط، نظام تابعه (منطقه) و نظام داخلی هر نظام تابعه دربرگیرنده مجموعه‌ای از دولت‌ها با مجاورت جغرافیایی است که در آن مسائل امنیتی در تعامل میان واحدها رخ می‌دهد و مدیریت می‌شود. بر اساس چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط، نظم‌های تابعه سه بخش می‌شوند. بخش مرکزی، بخش پیرامونی و قدرت مداخله‌گر (کانتوری و اشپیگل، ۱۹۷۰: ۵۱).

نظم‌های شبکه‌ای شده امنیتی مناطق تنها بر اساس توزیع تهدیدات و کانون‌های ارتباطی تبیین نمی‌شوند؛ بلکه وجود خوشه‌های مختلف جغرافیایی موجود در آن‌ها و سه لایه پیوندهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری سبب افزایش پیچیدگی و چندم تغییری شدن رویکرد تحلیلی شده است. برخی واحدهای کوچک منطقه‌ای تنها در یکی از خوشه‌های جغرافیایی به‌عنوان‌مثال خوشه خلیج‌فارس در غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها مانند عراق در دو خوشه جغرافیایی مانند خلیج‌فارس و شامات می‌توانند به ایفای نقش بپردازند. برخی واحدها بازیگران تک لایه هستند و تنها در لایه ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها در چند خوشه و چندلایه به‌صورت هم‌زمان در شبکه نظم امنیتی منطقه‌ای در پیوند سلبی و ایجابی با واحدهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای، رفتارهای راهبردی خود را سامان می‌دهند (عباسی خوشکار و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۶۷).

انواع نظام کنترل

هدف از رفتارهای راهبردی واحدهای منطقه‌ای در شبکه نظم‌های منطقه‌ای مدیریت تهدیدات راهبردی بر اساس نظام کنترلی است که توسط هر یک از بازیگران طراحی و عملیاتی می‌شود. بازیگران هوشمند بر اساس نوع و محتوای نظم‌های امنیتی نظام‌های کنترل مختلفی را اتخاذ می‌کنند. ازاین‌رو نظام‌های کنترل به سه دسته نظام‌های کلاسیک سخت‌افزاری، نظام‌های پیچیده نیابتی و نظام‌های شبکه‌ای هوشمند تقسیم‌بندی می‌شوند (عباسی خوشکار و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۷۲).

نظام‌های کنترل کلاسیک سخت‌افزاری

نظام‌های کنترل دیرینه سخت‌افزاری با استفاده از دخالت مستقیم در ضایعه‌های امنیتی و با بهره‌گیری از قدرت سخت‌افزاری به دنبال کنترل و مدیریت تهدیدات راهبردی هستند. حمله امریکا در سال ۲۰۰۳ یکی از مهم‌ترین نمونه‌هایی است که در حوزه استفاده از نظام کنترل کلاسیک سخت‌افزاری توسط آمریکا به‌کاربرده شده است. در نظم‌های خطی و ساده امنیتی که ورودی‌ها و خروجی‌های به همراه تعاملات امنیتی در آن‌ها به‌صورت قابل پیش‌بینی و ساده وجود دارد، نظام‌های کنترل کلاسیک سخت‌افزاری از کارآمدی قابل‌توجهی برخوردار هستند و قدرت سخت‌افزاری ابزار مفیدی در مدیریت این تهدیدات راهبردی قلمداد می‌شود.

نظام کنترل پیچیده نیابتی

در نظام کنترل پیچیده نیابتی شکل کنترل تهدیدات و منطق مدیریت بحران دچار تحول می‌شود. زیربنای این تحول، دگرگونی مفهومی در نظم امنیتی و تبدیل آن به نظم پیش‌بینی‌ناپذیر پیچیده است؛ در این نظم، واحد کنترل‌کننده به دلیل پیچیدگی تهدیدات از واحدهای نیابتی بهره می‌برد و از مداخله مستقیم مستمر خودداری می‌نماید؛ بنابراین کاهش هزینه‌های کنترل تهدیدات راهبردی در نظم‌های پیچیده مهم‌ترین عامل در دگرگونی نظام کنترل تهدیدات به‌حساب می‌آید؛ به‌عنوان‌مثال کنترل رژیم اشغالگر قدس در خوشه‌های شامات توسط واحدهای نیابتی مقاومت ازجمله حماس و حزب‌الله لبنان صورت می‌پذیرد و ازاین‌رو مداخله سخت‌افزاری ج.ا.ا به حداقل رسیده است.

نظام کنترل شبکه‌ای هوشمند

به‌موازات شبکه‌ای شدن نظم‌های امنیتی نظام‌های کنترل نیز متحول خواهد شد. در نظم‌های شبکه‌ای شده امنیتی، تهدیدات راهبردی در قالب شبکه‌ای از ارتباطات سیال و متعدد باقابلیت عدم پیش‌بینی‌پذیری گسترده بروز می‌یابند و ابزارهای دولتی متمرکز و سخت‌افزاری کلاسیک توانایی کنترل این تهدیدات را به‌صورت حرفه‌ای ندارند. نظام کنترل شبکه‌ای هوشمند با استفاده از گره‌های[1] دارای پیوند در قالب محیط عملیاتی شبکه نظم امنیتی و خوشه‌های جغرافیایی به‌هم‌پیوسته شبکه‌ای شده کارآمدترین نوع کنترل با تهدیدات یادشده است.

استفاده از دیدگاه شبکه‌ای به محیط عملیاتی و قدرت هوشمند در قالب نگاه هم‌زمان به لایه‌های ژئواکونومیکی، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری و همچنین بهره‌برداری مفید و مناسب از واحدهای دولتی، گروهی، جریانی، حزبی، نظام‌های اطلاعاتی و سایر ابزارهای خرد به‌صورت توأمان در راستای مدیریت تهدیدات راهبردی اساسی‌ترین دستورکار طرح‌شده در نظام کنترل هوشمند شبکه‌ای است.

با شبکه‌ای شدن تهدیدات، نوع تهدیدات در سه لایه ژئواکونومیکی، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری به‌صورت

1. node

مقارن پدیدار شده‌اند و مواجهه با آن‌ها از طریق دست‌کاری در گره‌های پیوندی شبکه نظم امنیتی منطقه، به‌واسطه قدرت هوشمند برای تغییر تعادل آسیب فرصت به ضرر دشمن راهبردی و درنهایت دگرگونی نقطه ثبات دشمن صورت می‌پذیرد؛ بنابراین در این مقاله برای رسیدن به راهبردهای مطلوب ابتدا به بررسی نظام کنترل رژیم صهیونیستی در مقابل ایران می‌پردازیم و سپس به رویکردهای سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال شبکه کنترلی رژیم اشغالگر قدس در نظم مبتنی بر همسایگی خواهیم پرداخت.

روش‌شناسی

روش پژوهش فوق آن توصیفی- تحلیلی و لحاظ هدف کاربردی است. همچنین در زیرمجموعه پژوهش‌های کیفی دسته‌بندی می‌شود. داده‌های این تحقیق از گردآوری و مطالعه منابع اسنادی و مکتوب به‌دست‌آمده است. نویسندگان به دنبال نشان‌دادن رفتارهای تخاصم‌آمیز رژیم صهیونیستی در برابر ج.ا.ا در منطقه خلیج‌فارس است تا با استفاده یافته‌های فوق راهبردهای مناسبی برای مقابله کارآمدتر با این رژیم ارائه شود.

یافته‌های پژوهش

نظام کنترل رژیم صهیونیستی در برابر ج.ا.ا

با استناد به سند امنیتی ۲۰۳۰ که در دوره نخست‌وزیری نتانیاهو نوشته شد، با متنوع شمرده شدن تهدیدات امنیتی در قالب نظامی، سایبری، موشکی و امنیتی بر نبرد چندلایه با تهدیدات منطقه‌ای ج.ا.ا برای رژیم صهیونیستی تأکید شده است. شناسایی شبکهٔ چندلایه تهدیدات ج.ا.ا و لزوم برخورد چندوجهی با تهدیدات مذکور محتوای اصلی سند هستند (گریگوری تیلور، ۲۰۲۱: ۲۰۵). ازاین‌رو اجزای نظام کنترل رژیم صهیونیستی علیه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی به‌صورت خرده‌شبکه‌های زیر است که در پیوند با یکدیگر و با هدف محدودسازی و مهار قدرت منطقه‌ای ج.ا.ا در قالب رویکرد شبکه‌ای رژیم صهیونیستی به‌صورت عملیاتی در حال اجرا هستند.

۱- خرده‌شبکه نفوذ سرزمینی
۲- خرده‌شبکه اطلاعاتی و سایبری
۳- خرده‌شبکه متحدان منطقه‌ای
٤- خرده‌شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای

خرده‌شبکه نفوذ سرزمینی

این خرده‌شبکه بر پایه نفوذ رژیم اشغالگر قدس در ایران و دسترسی به مراکز با تمرکز بر جلوگیری از برنامه‌های هسته ایران است. ازاین‌بین می‌توان به نفوذ شبکه خرابکاری در سایت‌های هسته‌ای تا ترور دانشمندان هسته‌ای اشاره نمود. ترور شخصیت‌های هسته‌ای ایران به سلسله ترورهای هدفمند علیه دانشمندان هسته‌ای ایران اطلاق می‌شود. طی این عملیات‌ها مجید شهریاری، اردشیر حسین پور، مسعود

علی‌محمدی، مصطفی احمدی روشن،داریوش رضایی‌نژاد و محسن فخریزاده شهید شدند؛ اما فریدون عباسی دوانی از سوءقصد جان سالم بدر برد. عده‌ای از همراهان این افراد نیز کشته یا مجروح شدند. رژیم صهیونیستی از چند سال پیش سیاست خود در مقابله با برنامه هسته‌ای ج.ا.ا را به سیاست «هزار خنجر» تغییر داده که بناست با واردکردن ضربات کوچک اما متعدد این طرح را مورد هدف قرار دهد.

رونن برگمن در کتاب «برخیز و اول تو بکش» می‌نویسد: «پس‌ازآنکه آریل شارون، داگان را به‌عنوان ریاست موساد منتصب کرد، او را مسئول برهم‌زدن برنامه هسته‌ای ایران قرارداد، چراکه از دید هردوی آن‌ها یک تهدید علیه رژیم اشغالگر قدس محسوب می‌شد. داگان برای به انجام رساندن این مهم به شیوه‌های مختلفی دست زد. دشوارترین و البته کاراترین آن‌ها به اعتقاد داگان شناسایی دانشمندان کلیدی در صنعت موشکی و هسته‌ای و سپس کشتن آن‌ها بود. موساد ۱۵ نفر از این افراد را شناسایی کرد و از بین آن‌ها شش نفر را حذف کرد. عملیات حذف، بیشتر اوقات هنگام صبح که در راه رفتن به سر کار انجام می‌شد. این عملیات‌ها و بسیاری دیگر که توسط موساد کلید زده‌شده و گاهی با همکاری ایالات‌متحده انجام می‌شدند، همگی موفقیت‌آمیز بودند» (برگمن، ۱۳۹۸: ۳۴۵).

مهم‌ترین ترور دانشمندان هسته‌ای ایران آخرین آن‌ها نیز بوده است. رژیم اشغالگر قدس پس از ترور محسن فخری‌زاده، معاون وزارت دفاع ج.ا.ا که به مغز برنامه هسته‌ای ایران نیز شهرت داشت، بیشتر به ترور فعالان نظامی حاضر در سوریه روی آورده است که در ایران و یا در خاک سوریه مورد هدف این رژیم قرارگرفته‌اند. علاوه بر دستگاه‌های اطلاعاتی ایران که اعلام کردند شهید فخری‌زاده از سال‌ها پیش به‌عنوان یک هدف مورد تعقیب موساد قرار داشته، یک مقام رسمی رژیم اشغالگر قدس نیز اعلام کرد آن‌ها سال‌ها مشغول ردگیری محسن فخری‌زاده بوده‌اند. این مقام که نامش فاش نشد چند روز بعد از ترور فخری‌زاده در مصاحبه‌ای با نیویورک‌تایمز اعلام کرد جهان باید از رژیم اشغالگر قدس به‌خاطر کشتن فخری‌زاده تشکر کند (دشتبانی، ۱۴۰۱: ۱).

رژیم اشغالگر قدس و دولت‌مردان آمریکایی بر این امر متفق‌القول هستند که در صورت دست‌یابی ایران به ساخت سلاح‌های اتمی، رژیم اشغالگر قدس اولین هدف حمله ایران خواهد بود. رژیم اشغالگر قدس برای آسیب‌زدن و به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای ایران از جاسوس‌های دوجانبه و شرکت‌هایی صوری برای نفوذ به شبکه خرید فعالیت‌های هسته‌ای ایران استفاده کرده است. شاید اصلی‌ترین اقدام رژیم اشغالگر قدس برای شکست خوردن برنامه اتمی ایران را بتوان حمله ویروس اینترنتی استاکس‌نت به رایانه‌های مورداستفاده در برنامه اتمی ایران دانست. رژیم اشغالگر قدس این کرم اینترنتی پیشرفته را با کمک کارشناسان آمریکایی طراحی کرد و از طریق کارشناسان روسی به شبکه رایانه‌های در ارتباط با برنامه اتمی ایران وارد کرد و توانست شماری از سانتریفیوژهای مورداستفاده برای غنی‌سازی اورانیوم را از کار بیندازد. ابعاد و خسارات دقیق این حمله هیچ‌گاه مشخص نشد.

خرده‌شبکه متحدان منطقه‌ای

راهبرد نظامی رژیم اشغالگر قدس یک راهبرد دفاعی تعریف شده است که باید به‌طور تهاجمی به اجرا درآید؛ زیرا به دلیل نداشتن عمق راهبردی و آسیب‌پذیری نیروهای نظامی، رژیم اشغالگر قدس تلاش می‌کند تا نبرد را به قلمروی دشمن خود منتقل کند؛ بنابراین، رهنامه‌های نظامی رژیم اشغالگر قدس با پیش‌فرض‌های تهاجمی همچون به‌کارگیری نیروی نظامی کوبنده و قاطع و ضربات پیشگیرانه و کشاندن جنگ به خاک دشمن بناشده است (خدیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰)؛ بنابراین طبیعی است که برای افزایش عمق راهبردی خود و نزدیکی در مرزهای ج.ا.ا به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید، رژیم دست به اتحاد و ائتلاف با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس بزند.

با اضمحلال ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و مطرح‌شدن ج.ا.ا به‌عنوان تهدید مشترک منطقه‌ای رژیم صهیونیستی توانسته است در قالب توافقنامه صلح ابراهیم و برقراری مناسبات نزدیک و پنهانی با عربستان سعودی ائتلافی ضد ایرانی از خوشه شامات تا خوشه خلیج‌فارس تشکیل دهد (عباسی خوشکار و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۸۱).

در سال‌های اخیر جهان عرب به‌ویژه در خاورمیانه تغییرات سیاسی و راهبردی قابل‌توجهی را در قالب «صلح ابراهیم» تجربه کرده است. صلح ابراهیم مجموعه‌ای از بیانیه‌های مشترک عادی‌سازی روابط بین رژیم اشغالگر قدس، امارات متحده عربی و بحرین و به دنبال آن مراکش و سودان است. این توافقنامه‌ها روابط جدید دیپلماتیک اقتصادی و امنیتی بین رژیم اشغالگر قدس و این کشورها را نشان می‌دهد و همچنین راه را برای شکل جدیدی از همکاری در حوزه سایبری باز می‌کند.

خرده‌شبکه اطلاعاتی و سایبری در همسایگان مرزی

همکاری‌های اطلاعاتی

حضور پایگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در کشورهای عرب‌زبان حوزه خلیج‌فارس نشان‌دهنده حضور اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در مرزهای جنوبی ج.ا.ا است (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

امروزه پیمان‌های اطلاعاتی بین سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای مختلف یا همان همکاری‌های بیرونی جامعه اطلاعاتی کشورها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- پیمان یا همکاری آموزشی بین دو سرویسی منعقد می‌شود که یکی از آن‌ها تازه تأسیس و دیگری کهنه‌کار بوده و نقش مربی را ایفا می‌کند.

۲- پیمان یا همکاری محرمانه بین دو سرویسی منعقد می‌شود که یکی از آن دو، به دلایل سیاسی حاضر به افشای قرارداد نیست؛ مانند پیمان‌های محرمانه موساد با کشورهای جهان سوم؛ به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس.

۳- پیمان یا همکاری محدود بین دو سرویس اطلاعاتی و به‌منظور تبادل اطلاعات ویژه و تعیین‌شده برقرار

می‌گردد؛ مانند پیمان محدود سرویس سیا و امن العام عراق در سال ۱۹۸۳ این نوع پیمان همکاری محدود مقطعی و کوتاه‌مدت غالباً در شرایطی صورت می‌گیرد که دو کشور دارای منافع مشترک در یک عملیات هستند؛ اما اصولاً در یک جناح‌بندی سیاسی قرار ندارند و تنها ضرورت همان همکاری علت اصلی نزدیکی موقت دو سرویس اطلاعاتی رقیب برای تبادل بخش خاصی از اطلاعات گردیده است.

٤- پیمان یا همکاری نامحدود بین دو یا چند سرویس اطلاعاتی، برای تبادل اطلاعات، استفاده از آرشیو یکدیگر و هدایت مشترک عملیات منعقد می‌شود. این پیمان معمولاً بین اعضای یک بلوک سیاسی به‌منظور پشتیبانی از اتحاد نظامی و علیه دشمن واحد یا دشمنان مشترک صورت می‌گیرد تبادل نامحدود اطلاعات و هدایت عملیات مشترک در این نوع از همکاری‌ها تجلی می‌یابد (علوی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۹).

سرویس اطلاعاتی رژیم با سرلوحه قراردادن تأمین امنیت ملی خود در این راستا، اقدام به برقراری پیمان‌های همکاری در غالب آموزش، پیمان‌های محدود با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس با درک تهدید مشترک در قبال قدرت ج.ا.ا نموده است.

همکاری‌های سایبری

دفاع سایبری یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی رژیم صهیونیستی است. یکی از کلیدهای مبارزه با تهدیدات سایبری، بر همکاری بین کشورهای متحد متکی است. صلح ابراهیم در پی آن است که تا حد امکان منافع مشترک را افزایش دهد و با طرح مسائل، امنیتی جبهه جدیدی علیه تهدیدات ایران شکل دهد.

در توافقنامه سایبری صلح ابراهیم با هدف محدودکردن ایران در فضای سایبری، در ژوئن ۲۰۲۳ یک گروه دوحزبی از نمایندگان کنگره ایالات‌متحده لایحه‌ای را ارائه کردند که به‌طور رسمی مجوز همکاری سایبری بین ایالات‌متحده و دولت‌هایی را که به پیمان ابراهیم متعهد هستند، می‌دهد. این لایحه که «قانون همکاری امنیت سایبری پیمان ابراهیم ۲۰۲۳»[1] نامیده می‌شود. اشتراک‌گذاری اطلاعات فی‌مابین ذی‌نفعان را تسهیل می‌کند و به ذینفعان پیمان ابراهیم کمک‌های فنی می‌کند. در صورت تصویب این قانون به تقویت موقعیت‌های امنیت سایبری جمعی رژیم اشغالگر قدس، بحرین، مراکش، سودان امارات متحده عربی و ایالات‌متحده کمک می‌کند و باعث تقویت همکاری در راستای پاسخ‌های جمعی به تهدیدات در حال تحول می‌شود. این لایحه بر اساس نشست فوریه ۲۰۲۳ بین سازمان امنیت داخلی آمریکا و رهبران امنیت سایبری کشورهای صلح ابراهیم تنظیم شده است که در آن فرصت‌هایی برای گسترش دامنه توافق‌نامه به‌منظور گنجاندن اولویت‌های امنیت سایبری موردبحث قرار گرفته است (جرمی باب: ۲۰۲۳).

از بسیاری جهات ایجاد همکاری رسمی درزمینهٔ امنیت سایبری در پیمان ابراهیم اقدامی شبیه به کاری است که ایالات‌متحده در حال حاضر علیه روسیه و چین برای محدودکردن فعالیت‌های سایبری خود انجام

1. *Abraham Accords Cybersecurity Cooperation Act of* 2023

می‌دهد. صلح ابراهیم احتمالاً می‌تواند با متحدکردن دولت‌های عربی منطقه و رژیم اشغالگر قدس و همچنین استفاده از منابع آن‌ها برای تعدیل حملات سایبری که توسط بازیگران سایبری منطقه‌ای و غیردولتی ایران که علیه آن‌ها ایجاد می‌شود، به همین اهداف دست یابد.

مانند سایر مشارکت‌های سایبری تحت رهبری ایالات‌متحده میزان محدودیت ایران در فضای سایبری از طریق صلح ابراهیم تا حد زیادی به استحکام این مشارکت سایبری بستگی دارد. تمایل مناسب برای به اشتراک‌گذاشتن و همکاری به‌عنوان ذی‌نفعان برابر می‌تواند مؤلفه سایبری در صلح ابراهیم را در کوتاه‌مدت به مقابله با فعالیت‌های سایبری ایران تبدیل کند؛ اما نمی‌توان انتظار داشت که ایران بیش‌ازحد درگیر شود زیرا هر موفقیتی ایران را وادار می‌کند تا روابط سایبری خود را با متحدانش هرچند با مشکلات و چالش‌های مشابه؛ اما با ظرفیتی برابر تشدید کند. در این مورد ایران مجبور نیست منتظر بماند تا ببیند واقعاً چه چیزی از توافقات آمریکا و صلح ابراهیم حاصل می‌شود و آیا این فقط یک ظاهرسازی یا حرکتی برای برتری موقعیتی است؛ بلکه ایران اکنون هم در حال گسترش روابط با هم‌پیمانانش در حوزه سایبری است که خود می‌تواند نقطه مقابلی در برابر قانون همکاری امنیت سایبری صلح ابراهیم باشد.

خرده‌شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای

رژیم اشغالگر قدس در سال‌های اخیر تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را در صدر فعالیت‌های خود قرار داده است. ازاین‌رو با فشار آوردن بر ایالات متحده در تحریم ایران همواره تلاش نموده در راستای تضعیف ایران در تمامی جهات گام بردارد. اوج این اقدام را می‌توان در خروج ایالات‌متحده از برجام شناسایی کرد. به‌گفته جان میرشایمر[1] در اندیشکده «مرکز مطالعات مستقل/CIS» رژیم اشغالگر قدس نزدیک‌ترین متحد ایالات‌متحده امریکا است. ازاین‌رو تا قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ امریکا همچنان در راستای روند عادی‌سازی روابط رژیم اشغالگر قدس با کشورهای عربی اقدامات فراوانی انجام داده است (میرشایمر: ۲۰۲۳). کریدور اقتصادی هند – خاورمیانه – اروپا (IMEC) ازجمله اقداماتی است که امریکا در راستای کنترل نفوذ تهاجمی و رو به گسترش چین در خاورمیانه، آفریقا و اروپا به‌خصوص در بین متحدان آمریکا در خاورمیانه، نزدیکی بیشتر کشورهای عربی با رژیم اشغالگر قدس و همچنین واردکردن ضربه ژئواکونومیک به ایران طرح‌ریزی نموده است (صالحی: ۱۴۰۲).

ایده اتصال منطقه از طریق راه‌آهن در سال ۲۰۲۱، در مجمع I2U2[2] از سوی رژیم اشغالگر قدس مطرح شد و پس‌ازآن توسط دولت بایدن موردحمایت قرار گرفت تا اینکه در نشست گروه بیست G20[3] که در اوایل سپتامبر ۲۰۲۳ برگزار شد، هند، عربستان سعودی، امارات و رژیم اشغالگر قدس با حمایت آمریکا از

1. *John Mearsheimer*

۲. مجمعی متشکل از ایالات‌متحده، اسرائیل، امارات و هند که در اواخر سال ۲۰۲۱ تأسیس شد.

۳. گروه ۲۰ (G20) یک سازمان بین دولتی متشکل از ۱۹ کشور به همراه اتحادیه اروپا (EU) و اتحادیه آفریقا (AU) است. این گروه برای رسیدگی به مسائل عمده مرتبط با اقتصاد جهانی مانند ثبات مالی بین‌المللی، تغییرات اقلیمی و توسعه پایدار فعالیت می‌کند.

کریدور دریایی-ریلی شرق به غرب که ترانزیت تجاری میان کشورهای اروپایی، رژیم اشغالگر قدس، اردن، اعراب خلیج‌فارس و هند را برقرار خواهد کرد، رونمایی کردند. طرحی عظیم به‌منظور ترانزیت کالا که از هند شروع می‌شود، از امارات و عربستان عبور می‌کند و درنهایت بااتصال به اردن و رژیم اشغالگر قدس به کشورهای اروپایی می‌رسد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، این کریدور شامل یک مسیر کشتیرانی است که بمبئی و موندرا (گجرات) را از طریق یک مسیر کشتی‌رانی به امارات و بعدازآن به‌وسیله یک شبکه ریلی امارات را به عربستان سعودی، اردن و سپس بندر حیفا در رژیم اشغالگر قدس متصل می‌کند. با رسیدن این خط به سواحل دریای مدیترانه از طریق دریا به بندر پیرائوس در یونان اتصال می‌یابد و درنهایت به اروپا ختم می‌شود.

راه‌اندازی این طرح در کنار سایر کریدورهایی که ایران را دور می‌زنند مانند کریدور میانی از آسیای میانه به اروپا و ابتکار کمربند و جاده چین که به علت تحریم‌ها و بروکراسی زائد در ایران در حال تعیین مسیرهای جایگزین بجای ایران است به‌خودی‌خود ضربه ژئواکونومیک مهمی به ایران محسوب می‌شود؛ اما موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم به‌احتمال‌قوی هند این ابتکار تازه را به‌عنوان جایگزینی برای کریدور شمال — جنوب در نظر خواهد گرفت که خود هند در کنار ایران و روسیه از بانیان آن بوده‌اند؛ در صورت تحقق چنین وضعیتی منزلت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور ضربه زیادی خواهد دید.

راهبردهای سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال خرده‌شبکه‌های رژیم اشغالگر قدس

مقابله با خرده‌شبکه نفوذ سرزمینی

رژیم اشغالگر قدس طی دهه‌های گذشته توانسته از طریق ترور دانشمندان و همچنین حملات نظامی به مراکز هسته‌ای مانع پیشرفت برنامه هسته‌ای و موشکی و نظامی عراق و مصر شود و اکنون همین روند را در مورد برنامه‌های دفاعی و هسته‌ای ایران در پیش گرفته است؛ اما آیا خواهد توانست در این راه موفق شود؟

هرچند ایران درزمینهٔ محافظت از دانشمندان خود چندان موفق عمل نکرده است و با وجود آگاهی از اقدامات مشابه موساد در دهه‌های گذشته علیه کشورهای دیگر و حتی با شروع این روند در قبال دانشمندان ایرانی شاهد تکرار این ترورها بوده‌ایم اما چندین عامل می‌تواند به ایران در ادامه روند برنامه هسته‌ای خود کمک کند. برنامه هسته‌ای ایران برخلاف سایر کشورها متکی بر کمک خارجی و دانشمندان معدود خارجی نیست و به شکل درون‌زا و طی دهه‌ها بومی‌شده و تعداد زیادی از دانشمندان و پژوهشگران ایرانی در آن نقش داشته‌اند و به تجربه نیز با وجود شهادت تعداد قابل‌توجهی از این دانشمندان، برنامه هسته‌ای ایران دچار خلل یا کندی نشده و با وجود محدودیت‌های ناشی از تعهدات بین‌المللی ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حتی محدودیت‌های خودخواسته ناشی از توافق برجام

به‌خوبی توسعه پیدا کرده و در مواقعی که مسئولان کشور برای توسعه و گسترش آن تصمیم گرفته‌اند با سرعتی باورنکردنی برای ناظران غربی، رشد کرده و به اهداف اعلامی خود دست پیدا کرده است.

ایران بر اساس تجربه خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای کشورهای دیگر و یا حملات نظامی به نقاط مشخص، تأسیسات هسته‌ای خود را در مناطق جغرافیایی مختلف و همچنین عمق خاک ایران پنهان کرده و با ساخت تأسیسات زیرزمینی که از محافظت طبیعی کوه‌ها بهره‌مند هستند، آن‌ها را در مقابل حملات احتمالی بیمه کرده است. توان دفاعی ایران نیز به‌تناسب حملات احتمالی گسترش پیدا کرده و ایران علاوه بر دفع حملات به این تأسیسات از امکان اقدام متقابل نیز برخوردار است و بعید به نظر می‌رسد هر حمله احتمالی با پاسخ متناسب ایران روبه‌رو نشود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد هرچند راهبرد هزار خنجر رژیم اشغالگر قدس ضربات متعددی به توان هسته‌ای ایران وارد کرده اما موفق به توقف یا ضربه جدی به آن نشده است.

مقابله با خرده‌شبکه متحدان منطقه‌ای

برای تهران، جنگ رژیم اشغالگر قدس در غزه در یک‌لحظه مناسب رخ داد. ایران برای جبران انزوای خود به‌عنوان یک دولت ایرانی شیعه در یک منطقه عرب عمدتاً سنی، برای مدت طولانی به آرمان فلسطین تکیه کرده است. بااین‌حال، زمانی که فلسطینی‌ها در کانون توجه بین‌المللی نبودند، این راهبرد کمتر مؤثر بود. تهران به‌واسطه فعالیت‌هایش به‌طور فزاینده‌ای در میان همسایگان عرب خود غیرمحبوب شد و رژیم اشغالگر قدس توانست از رفتار ایران (یعنی تهدیدهای ایران علیه رژیم اشغالگر قدس و حملات نیابتی آن به کشورهای عربی مانند امارات و عربستان سعودی) استفاده کند. رژیم اشغالگر قدس حتی موفق به عادی‌سازی روابط با بحرین، مراکش و امارات شد، چیزی که برخی در رژیم اشغالگر قدس و ایالات‌متحده امیدوار بودند که دژ منطقه‌ای قوی‌تری در برابر ایران باشد. قبل از ۷ اکتبر، به نظر می‌رسید که رژیم اشغالگر قدس آماده عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی است؛ اما حمله حماس تمام این پیشرفت‌ها را متوقف کرد. پس‌ازآن، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و رئیس‌جمهور ایران برای اولین بار از زمان احیای روابط در ماه مارس گذشته گفتگوی تلفنی انجام دادند.

تهران البته ممکن است دچار اشتباه باشد که جنگ با قدرت و اعتبارش چه خواهد کرد. سران ایران به‌خوبی می‌دانند که یک درگیری گسترده می‌تواند منجر به حمله مستقیم علیه کشورشان شود. آن‌ها تحولات رژیم اشغالگر قدس را ارزیابی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که در گام بعدی چه‌کاری انجام دهند؛ اما آن‌ها این درگیری را به‌عنوان شاهد و مدرکی می‌بینند که جهان در حال انتقال قدرت از غرب است. آن‌ها بر این باورند که قدرت ایالات‌متحده در حال کاهش است و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای جدید، نظمی را که پس از جنگ جهانی اول و دوم به وجود آمد، بر هم می‌زنند.

کشورهای خارجی باید بدانند که افزایش تنش بین ایران و رژیم اشغالگر قدس یک تهدید جدی بلندمدت با عواقب جهانی است. طرف‌های خارجی باید به دنبال راه‌هایی برای کاهش تنش باشند، ازجمله استفاده از کانال‌های محرمانه برای کمک به دو طرف (و ایران و ایالات‌متحده) برای ارتباط. انجام این کار دشوار خواهد بود؛ اما اگرچه ممکن است در حال حاضر غیرواقعی به نظر برسد، درگیری فعلی می‌تواند فرصت‌هایی برای میانجیگری ایجاد کند.

مقابله با خرده‌شبکه اطلاعاتی و سایبری

سیاست خارجی عرصه مدیریت رقابت کشور درصحنه بین‌المللی است. در بسیاری از موارد سیاست‌گذار نمی‌داند که به شناخت چه چیزی در آینده نیاز خواهد داشت، به همین سبب سازمان‌های اطلاعاتی با تمرکز بر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات درباره روند وقایع و رویدادهای خارجی و ارائه آن به سیاست‌گذاران بر اولویت‌های اطلاعاتی و سیاست‌گذاری تأثیر مستقیم می‌گذارند. بدین‌ترتیب تحلیلگران و مدیران و افسران اطلاعاتی اولویت‌های آتی سیاست‌گذاران و برداشت آن‌ها از وقایع و روندهای موجود در محیط بین‌المللی را شکل می‌دهند. اگر قرار باشد جامعه اطلاعاتی داده‌هایی را در اختیار سیاست‌گذار قرار دهد که او به دانستن آن‌ها نیاز دارد، آنگاه شناخت صحیح از مسائل خاص و موردتوجه سیاست‌گذار یکی از شروط اساسی است. در غیر این صورت تلاش اطلاعاتی به کوشش فکری مجزا و نامربوطی تبدیل می‌شود، این به معنی جست‌وجوی بی‌هدف اطلاعات بدون تمرکز بر تهیه داده‌های موردنیاز تصمیم‌گیری است. اگر جامعه اطلاعاتی ندانند که دقیقاً قرار است با اطلاعات چه‌کاری انجام شود نمی‌تواند بفهمد که دقیقاً چه اطلاعاتی باید ارائه دهد؛ بنابراین سازمان اطلاعاتی باید از اهداف و نیات سیاست‌گذار و نهادهای سیاست‌گذار در موضوعات مربوط مطلع باشد (خلیلی، ۱۴۰۱: ۲۳۲).

وظیفه سازمان اطلاعاتی است که درباره نتایج و پیامدهای هر سیاست خاص به سیاست‌گذاران هشدار دهد؛ به‌ویژه اگر مشخص‌شده باشد که این سیاست به ضرر منافع کشور است. این امر مستلزم ارتباط نزدیک اطلاعات و سیاست است (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۸۶). بر همین اساس ج.ا.ا همراه با بررسی تهدیدات پیرامونی خود توانسته نسبت به ارتقاء نیروهای امنیتی و اطلاعاتی همت ویژه بورزد و در راستای منافع ملی گامی مؤثر بردارد.

در ژانویه ۲۰۲۱ وزرای امور خارجه ایران و روسیه، یک توافق‌نامه همکاری درزمینهٔ امنیت سایبری و فناوری اطلاعات امضا کردند. این توافقنامه شامل همکاری درزمینهٔ امنیت سایبری انتقال فناوری، آموزش ترکیبی و همکاری دوسویه در طول رویدادهای بین‌المللی است (اُمری وکسلر: ۱۴۰۰). اعتقاد بر این است که این همکاری به‌جای فراهم‌آوردن امکانات تهاجمی برای ایران به‌خاطر تفاوت‌های ایدئولوژیکی و اهداف متناقض کشورها بر روی توسعه دفاع سایبری ایران متمرکز خواهد شد. این همکاری هنوز برای رقبای ایران

در منطقه به‌عنوان یک چالش محسوب می‌شود. بنا به گفته شورای روابط خارجی آمریکا روسیه می‌تواند پایه‌های دفاع سایبری را در اختیار ایران قرار دهد و ایران را در رفع نقص‌های دفاعی یاری رساند که این موجب می‌شود حملات سایبری احتمالی علیه هدف‌های ایرانی در آینده پرهزینه و چالش‌برانگیز شود. در ازای این کار ایران می‌تواند فنون و فنّاوری‌های نیروهای شبه‌نظامی حوثی و حزب‌الله را در اختیار نمایندگان روسیه قرار دهد. آن‌ها می‌توانند این نیروها را علیه اهداف رژیم اشغالگر قدس بکار گیرند و سرانجام اینکه گروه‌های سایبری روسیه می‌توانند برای مشاهده شبکه‌های ارتباطی ایرانی و بررسی بدافزارهای که رژیم اشغالگر قدس و آمریکا علیه ایران استفاده می‌کنند به ایران فرستاده شوند که این رویداد به هر دو کشور در بالابردن امکانات دفاعی علیه حملات آتی کمک می‌کند. ایران و روسیه همکاری خود را نه‌تنها بر روی اقدامات دفاعی متمرکز کردند بلکه بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال در اواخر مارس ۲۰۲۳ روسیه شروع به ارتقای قابلیت‌های سایبری تهاجمی ایران کرد. کرملین نرم‌افزار نظارتی[1] قدرتمندی را در اختیار تهران قرار داده است. ایران علاوه بر نزدیک‌شدن به روسیه در سال ۲۰۲۱ به‌ویژه در تأسیس شرکت‌های فنّاورانه به چین نیز نزدیک شده است.

مقابله با خرده‌شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای

سیاست خارجی علم منافع ملی است. رفتارهای سیاست خارجی بایستی معطوف به حداکثرسازی منافع و منابع برای کشورها باشد. ایران اگرچه دارای منابع اقتصادی و اجتماعی قدرت در مقیاس فزاینده در مقایسه با کشورهای خلیج‌فارس است؛ اما در برخورد با ایران همواره یک نوع ستیزهای جهانی برای محدودسازی این کشور وجود داشته است. نکته قابل‌توجهی که وجود دارد این است که زمامداران ایران معمولاً در درک سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی دچار اشتباه شده‌اند و به شکل ساختاری توجهی نداشتند؛ برای مثال رضاشاه تا آخر خودش را در بند سیاست‌های آلمان قرارداد و درنتیجه در روند جنگ جهانی دوم ایران اشغال شد. مصدق نیز درک دقیقی از اقتصاد و سیاست بین‌الملل نداشته و در راهبرد موازنه منفی[2] خوش‌بینی شدید نسبت به ایالات‌متحده، وی را در فضای امید به نیروی سوم قرارمی‌دهد، غافل از اینکه این نیروی سوم زمینه کودتا را ایجاد می‌نماید. همین‌که محمدرضا در سال ۱۹۷۴ سیاست خارجی مستقل ملی را در دستورکار قرارداد و گرایش به اتحاد شوروی و همکاری با چین پیدا کرد، ایران در وضعیت حاشیه‌ای و محدودیت قرار داده شد. وقتی کشوری در تنگناهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرارمی‌گیرد، ناچار به افزایش منابع قدرت می‌شود. در دوران دولت دوازدهم نخبگان کشور این امید را داشتند که امریکا به برجام برمی‌گردد یا حتی اگر برنگردد امید به اروپایی‌ها داشتند؛ اما یک واقعیت سیاست بین‌الملل وجود دارد که با انگاره‌های ایدئالیستی که غرب می‌تواند شفا دهد و یا شرق می‌تواند امیدبخش باشد، مغایرت دارد؛ بنابراین با توجه به مزیت نسبی مثبت و مؤثری که هر بازیگری می‌تواند در

1. *Surveillance software*
2. *negative balance*

برطرف‌کردن نیازهای ایران ایفای نقش نماید، زمامداران امور بایستی سیاست چندجانبه‌گرایی را در پیش گیرند؛ ازاین‌رو عقلانیت راهبردی ایران ایجاب می‌کند که درعین‌حال که نگاهی به شرق دارد همواره گرفتار ایدئالیست شفابخش شرق نشود؛ زیرا مذاکرات با امریکا در دوحه همچنان ادامه دارد.

در سال‌های اخیر تنش و درگیری در سه نقطه مهم ژئوپلیتیکی جهان ایجاد شده است که نتیجه آن‌ها می‌تواند سرنوشت نظم بین‌المللی را در قرن ۲۱ تعیین کند. یکی از مهم‌ترین نقاط درگیری بین روسیه و اوکراین در جریان است. همچنین منطقه شرق آسیا در دریای چین جنوبی هم، محل تنش‌ها و ادعاهای ارضی متعدد است که عموماً ادعای چین علیه تمامیت ارضی همسایگان است، در این میان آنچه بیشتر از همه اهمیت دارد، ادعای ارضی چین نسبت به تایوان است. تنش و درگیری بعدی در منطقه همیشه بحرانی خاورمیانه است. این منطقه کانون درگیری در چند دهه اخیر بوده است، یکی از مهم‌ترین این درگیری‌ها مسئله فلسطین است که بیش از هفت دهه است فضای منطقه را ملتهب و بحرانی نگه‌داشته است. دراین‌بین رژیم صهیونیستی تلاش زیادی در بازکردن پای ایران در جنگ غزه و روبه‌رو شدن ایران و امریکا نموده است که می‌تواند اثرات بسیار مخربی برای ج.ا.ا داشته باشد.

ایران به‌عنوان یک کشور مهم در منطقه خاورمیانه نیازمند این است که در این برهه تاریخی بتواند ضمن دور ماندن از اصل بحران‌ها منافع ملی خود را به بهترین وجه تأمین کند. واقعیت این است تاریخ ایران به‌خصوص تاریخ معاصر کشور نشان می‌دهد که این خطر همواره وجود دارد که در بازی قدرت‌های بزرگ منافع ایران وجه‌المصالحه قرار بگیرد؛ بنابراین مقامات تصمیم‌گیر در ایران قبل از هرگونه برنامه‌ریزی برای نزدیکی به شرق و یا غرب باید به تقویت مبانی قدرت ملی کشور بپردازند؛ تغییر رویکرد برای خروج کشور از انزوا و در پیش گرفتن یک سیاست توسعه محور در داخل و خارج در غالب چندجانبه‌گرایی نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت قدرت ملی و افزایش توان بازیگری کشور در شرایط کنونی جهان خواهد داشت. شرایط جهانی به‌گونه‌ای است که هرگونه محاسبه اشتباه می‌تواند تأثیر منفی بسیار زیادی بر سرنوشت کشورها بگذارد، ازاین‌رو لازم است که هرگونه رفتار و جهت‌گیری کشور در شرایط کنونی با محاسبه سود و زیان و با دقت بیشتری انجام شود.

توصیه سیاسی

رقابت‌ها و تقابل‌های راهبردی رژیم صهیونیستی و ج.ا.ا پس از پیروزی انقلاب اسلامی از فراز و نشیب‌های بسیاری برخوردار بوده است و امروز در بالاترین سطح تنش قرار دارد. همچنین رژیم از تمام ظرفیت خود در راستای محدودکردن قدرت ج.ا.ا بهره می‌برد. ازاین‌رو سعی نموده در سال‌های اخیر با کمک امریکا با نزدیک‌شدن به کشورهای عربی در قالب پیمان ابراهیم به لایه اول امنیتی ج.ا.ا در منطقه خلیج‌فارس نزدیک شود. با پیش آمدن جنگ غزه این اقدامات به‌نوعی ناتمام مانده است. درواقع جنگ

غزه، چوب لای چرخ تلاش‌های امریکا برای عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم اشغالگر قدس گذاشته است. البته این جنگ ممکن است نتواند به‌صورت کامل مانع این توافق شود، زیرا پس از پایان جنگ همچنان انگیزه‌های اصلی طرفین برای توافق وجود خواهد داشت. بااین‌حال، موانع بر سر این توافق، آشکارا افزایش‌یافته و هر چه تعداد تلفات بیشتر شود، این موانع نیز بیشتر می‌شوند؛ بنابراین این محدودیت زمامداران رژیم اشغالگر قدس را به این فکر برده که پای ج.ا.ا به جنگ غزه بازنمایند تا شاهد رودررویی امریکا و ایران باشند؛ البته آمریکایی‌ها قبلاً اعلام کرده بودند که ردی از اقدامات ایران در جنگ غزه دیده نمی‌شود؛ لیکن امروز بیش‌ازپیش نخبگان ج.ا.ا بایستی عقلانیت کنش راهبردی خود را به‌کار ببرند. از طرفی بایستی در راستای سیاست همسایگی همراه با موج زد صهیونیستی در تمام دنیا و به‌ویژه کشورهای عربی بیش‌ازپیش به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نزدیک شده و در راستای ارتقاء امنیت ملی خود در منطقه گامی ویژه بردارد. در این راستا سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند بستر مناسبی برای این زمینه و نزدیکی ایران و عربستان به‌عنوان مؤثرترین کشور عضو اتحادیه عرب تلقی شود. همچنین با به‌کارگیری کنش راهبردی از اقدام عجولانه و شاید نظامی در بحران غزه جلوگیری نماید؛ زیرا هرگونه اقدام ایران در این زمینه باعث شعله‌ورتر شدن جنگ علیه ایران خواهد شد و رژیم به اهداف خود که درگیری مستقیم امریکا و ایران خواهد بود، دست پیدا خواهد کرد؛ اما این موضوع را نیز باید مدنظر قرار دهد که عدم‌حمایت از حماس به‌عنوان نیروی نیابتی[1] ممکن است از محبوبیت ایران در بین سایر نیروهای نیابتی ازجمله حزب‌الله و حوثی‌های یمنی بکاهد؛ بنابراین بایستی در راستای خاموش‌کردن شعله جنگ کلیه تلاش دیپلماتیک خود را در تمامی عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌کار ببرد.

نتیجه‌گیری

حوزه منطقه‌ای خلیج‌فارس را می‌توان به‌عنوان یکی از محیط‌های مهم و حساس تلقی کرد که سیاست خارجی و امنیتی ج.ا.ا در آن عمل می‌کند. در این میان، ظهور رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر جدید در خلیج‌فارس، سیاست خارجی ایران را به‌شدت تحت‌تأثیر متغیرهای امنیتی محیطی قرارمی‌دهد. با توجه به افزایش نفوذ رژیم در منطقه، مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس و رژیم اشغالگر قدس به‌طور شگرفی توسعه یافته است. به‌نحوی‌که امارات و بحرین به‌عنوان عضوی از این شورا اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم اشغالگر قدس در قالب پیمان ابراهیم نموده‌اند. این موضوع به معنای پیدایش چالشی جدی و روزافزون در محیط امنیت ملی و فراملی ایران است. رژیم اشغالگر قدس در راستای مهار ج.ا.ا از ۴ خرده‌شبکه نفوذ سرزمینی، اطلاعاتی و سایبری، متحدان منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای استفاده می‌نماید. این خرده‌شبکه‌ها در صورت غفلت و تعلل از سوی ایران، می‌توانند مانند سلول سرطانی گسترش یابند و در صورت کارکرد درست و پیوند محکم میان آنان می‌توانند به‌صورت

1. PROXY

فزاینده‌ای قدرت منطقه‌ای ج.ا.ا را به چالش بکشند. ج.ا.ا با اتکا به عقلانیت راهبردی در قدم اول در راستای اتصال خرده‌شبکه‌های یادشده، ممانعت ایجاد و در قدم بعدی اقدام به خنثی‌سازی اقدامات آنان می‌نماید. ازاین‌رو سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال نفوذ رژیم اشغالگر قدس در منطقه خلیج‌فارس بر اساس نشانه‌هایی از تداوم در الگوی رفتار راهبردی منطقه‌ای، در این حوزه از راهبرد موازنه‌گری سخت، اتحاد و ائتلاف، کنشگری فعال درزمینهٔ تنش‌زدایی با اعراب به‌عنوان سازوکار اصلی مقابله با نفوذ رژیم اشغالگر قدس در منطقه بهره گرفته است.

منابع

منابع فارسی

- ابراهیمی، کیاپی، هادی، زارعی، کمال. (۱۳۹۹). **تقابل راهبردهای ج.ا.ا و رژیم صهیونیستی در منطقه راهبردی قفقاز**، پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۱۵۴ -۱۲۵، (۳۲)۹، doi:10.22054/qpss.2019.41432.2297.
- اسمعیلی، مهدی، رشیدی، ابوالحسن، نظام الاسلامی، جلیل (۱۳۹۹)، **شناخت سازمان‌های اطلاعاتی**، تهران: انتشارات دانشکده فارابی.
- برگمن، رونن (۱۳۹۸) **برخیز و اول تو بکش**، هادی عبادی، تهران: صمدیه.
- خدیمی، مسعود، کاظمی، علیرضا، هادی، سمانه (۱۳۹۹)، **سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا سال ۲۰۲۰ با استناد به مدل راهبردی دیوید**، دانش تفسیر سیاسی س دوم، ش ۵، پاییز.
- خلیلی، ابراهیم (۱۴۰۱) **سازمان‌های اطلاعاتی چیستی و چرایی**، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- دشتبانی، داود (۱۴۰۱)، **تکرار مقابله تروریستی اسرائیل از طریق ترور دانشمندان**، قابل‌دسترسی در: https://hammihanonline.ir/news/diplomacy/shkst-hzar-khnjr/.1401/10/24 ،
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰). **چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ا**. علیرضا طیب، تعداد جلدها، تهران: نشر نی.
- سیمبر، رضا، رضاپور، دانیال، آذین، صدیقه. (۱۳۹۹). **سیاست ج.ا.ا در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس**، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام.۷۲-۴۹، (۶)۲.
- صالحی، سید حمزه (۱۴۰۲)، **کریدور هند–سعودی هوا شد؟** قابل‌دسترسی در: https://www.entekhab.ir/fa/news/743165.1402/08/20 ،
- عباسی، خوشکار، امیر، قاسمی، فرهاد. (۱۴۰۱). **راهبردپژوهی نظام کنترل رژیم صهیونیستی در برابر نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ا**، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران . ۱۹۰-۱۵۹، (۲)۶.
- علوی‌فر، ناصر (۱۳۸۹)، **جهان زیر سلطه سازمان‌های اطلاعاتی**. تهران: دواوین.
- قاسمی، فرهاد (۱۴۰۱)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای**، چاپ شماره ۳، تهران: نشر میزان.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰) **سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی**: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی امریکا. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- واکسلر، امری (۱۴۰۰)، **توافق سایبری ایران– روسیه و راهبرد آمریکا در خاورمیانه**، قابل‌دسترسی در: http://irdiplomacy.ir/fa/news/2000955/.1400/01/20 ،

منابع انگلیسی:

- *Alcadipani,Rafael and Hassard,John,2010, Actor-Network theory, organizations and critique: towards a politics of organizing, Organization 17(4).*
- *Cantorini, Louis J. and Spiegel, Steven L (1970). The International Politics of Regions: A Comparative Approach. Englewood Cliffs, N.J.: PrenticeHall.*
- *Gregory Taylor,Jon (2021). Mossad Vengeance, Desert Publishing.*
- *Mearsheimer, john, «Israel-Hamas, Ukraine-Russia and China» available in: https://www.cis.org.au/commentary/video/israel-hamas-ukraine-russia-and-china-john-mearsheimer-on-why-the-us-is-in-serious-trouble/*
- *Jeremy Bob,Yonah (2023), «Netanyahus most trusted security advisors oppose judicial reform - analysis», available in: https://www.jpost.com/israel-news/politics-and-diplomacy/article-731362*
- *Lake, David, Morgan, Patrick (1997). Regional Orders: Building Security in a New World, Penn State University Press.*
- *The Jerusalem post, February 2, 2023, 5 Abraham Accords Cyber chiefs appear publicly in Israel for first time.*